



تقریرات درس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲

جلسه ششم؛ یکشنبه ۹۳/۶/۳۰

توجیه اشتراء در کریمه به معنای خرید در کلام فخر رازی

بعضی بر خلاف نظر جمهور مفسرین، اشتراء را در آیهی شریفه به همان معنای خرید گرفته‌اند. در میان عامه فخر رازی در تفسیرش مفاتیح الغیب^۱ با این که هر دو احتمال را مطرح کرده ولی از آن جا که اشتراء معمولاً به معنای خرید به کار می‌رود تلاش کرده که در کریمه نیز اشتراء را به معنای خرید بگیرد.

ایشان در توجیه کلامش می‌گوید: گاهی مکلف که از عذاب الهی خوف بر نفس دارد که مبدا در روز جزاء به غل و زنجیر کشیده شده و رهسپار جهنم گردد، اعمالی را اتیان می‌کند که گمان می‌کند با آن اعمال

۱. مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۶۰۱:

فی الشراء هاهنا قولان، أحدهما: أنه بمعنى البيع، و بيانه أنه تعالى لما مكن المكلف من الإيمان الذي يفضي به إلى الجنة و الكفر الذي يؤدي به إلى النار صار اختياره لأحدهما على الآخر بمنزلة اختيار تملك سلعة على سلعة فإذا اختار الإيمان الذي فيه فوزه و نجاته. قيل: نعم ما اشتري، و لما كان الغرض بالبيع و الشراء هو إبدال ملك بملك صلح أن يوصف كل واحد منهما بأنه بائع و مشتر لوقوع هذا المعنى من كل واحد منهما فصح تأويل قوله تعالى: بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ بأن المراد باعوا أنفسهم بكفرهم لأن الذي حصلوه على منافع أنفسهم لما كان هو الكفر صاروا بائعين أنفسهم بذلك.

الوجه الثاني و هو الأصح عندي أن المكلف إذا كان يخاف على نفسه من عقاب الله يأتي بأعمال يظن أنها تخلصه من العقاب فكأنه قد اشترى نفسه بتلك الأعمال، فهؤلاء اليهود لما اعتقدوا فيما أتوا به أنها تخلصهم من العقاب، و توصلهم إلى الثواب فقد ظنوا أنهم اشتروا أنفسهم بها، فذهم الله تعالى، و قال: بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ و هذا الوجه أقرب إلى المعنى و اللفظ من الأول، ثم إنه تعالى بين تفسير ما اشتروا به أنفسهم بقوله تعالى: أَنْ يَكْفُرُوا بما أنزل الله و لا شبهة أن المراد بذلك كفرهم بالقرآن لأن الخطاب في اليهود و كانوا مؤمنين بغيره، ثم بين الوجه الذي لأجله اختاروا هذا الكفر بما أنزل الله فقال: بَغِيًّا و أشار بذلك إلى غرضهم بالكفر كما يقال يعادي فلاناً فلاناً حسداً تنبيهاً بذلك على غرضه و لولا هذا القول لجوزنا أن يكفروا جهلاً لا بغيًّا.

می‌تواند نفس خود را خریده و از عذاب الهی خلاص کند. یهودیان نیز که سخن کریمه درباره‌ی آنان است چنین گمان کردند با اعمالی که اتیان کردند نفس خود را از عذاب الهی خریداری کرده و به ثواب می‌رسند، در حالی که خداوند متعال آنان را مذمت کرده و می‌فرماید: ﴿بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾؛ بد چیزی است آنچه که به آن، جان‌هایشان را خریدند این که کفر بما انزل الله ورزیدند.

فخر رازی می‌گوید: این وجه که اشتراء به معنای خرید باشد اقرب به معنا و لفظ است از احتمال اول که به معنای فروش باشد.

نقد کلام فخر رازی

این که ایشان گفت اشتراء به معنای خرید باشد اقرب به لفظ است درست است؛ چراکه اشتراء انصراف به خرید داشته و اگر حقیقت در فروش نیز باشد به نحو شاذ استعمال شود، کما این که در بقیه‌ی آیات شریفه نیز اشتراء به معنای خرید است.

اما این که اقرب به معنا باشد نمی‌توانیم قبول کنیم، چرا که ایشان این طور توجیه کرد که یهود با اعمالی که انجام دادند نفسشان را از عذاب الهی خریدند، در حالی که این توجیه با مذمتی که آیه‌ی شریفه نسبت به آن اشتراء و خرید کرده سازگاری ندارد؛ چون چنین خریدی که انسان بتواند نفس خودش را با انجام دادن اعمالی - هر چند اعمال سیئه - از عذاب الهی بخرد آن چنان مذمتی ندارد با توجه به این که مذمت متوجه اشتراء است؛ نه آن عمل زشت، چون خیلی ربح کرده که با دادن ثمن بد توانسته است خودش را از آتش جهنم آزاد کند.

توجیه اشتراء در کریمه به معنای خرید در کلام سید خویی رحمته الله علیه

در میان شیعه نیز سید خویی رحمته الله علیه با غیر وجیه خواندن^۱ توجیه فخر رازی، وجه دیگری را در توجیه

۱. التنتیج فی شرح المکاسب، ج ۱، ص ۱۹۰:

أنَّ الصحيح إمكان إبقائه على ظاهره من الشراء المتعارف، بأن يكون المعنى شراء بعضهم نفس البعض الآخر على ما هو ظاهر إضافة الجمع إلى الجمع، كما في قوله تعالى «فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» إذ ليس المراد منه أن يقتل كل منهم نفسه، بل المراد قتل بعضهم بعضاً. فالظاهر من الآية الواردة في ذم علماء اليهود وعوامهم على ما يستفاد من مقارناتها أنه بش ما اشترى العوام به نفس علمائهم، فإن العلماء باعوا أنفسهم من العوام تحفظاً على مقامهم وجاههم، وبش ما اشترى به العلماء نفس عوامهم، فإنهم باعوا أنفسهم من العلماء خوفاً أو طمعاً. وقد فسره بعض المفسرين أيضاً بالشراء المتعارف، إلا أنه وجه بتوجيه غير مرضى.

اشترای به معنای خرید ابداع کرده و می‌فرماید: ^۱ آیه‌ی شریفه ﴿بِسْمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ این چنین نیست که انحلالی بوده و توبیخ و مذمت در آن بر هر یک از افراد یهود - با قطع نظر از دیگری - باشد تا گفته شود مناسب آن است که اشتراء به معنای فروش باشد، بلکه آیه‌ی مبارکه نگاه به جمع یهود دارد به لحاظ این که جمعی نفس و دین جمع دیگر را به ثمن بخش خریدند؛ به این صورت که علمای یهود نفس عوام را با کفری که به آن‌ها تحویل دادند خریدند و عوام یهود نیز نفس علما را با باطل‌هایی که به آنان تحویل دادند خریدند. پس هر کدام به اعتباری بایع و به اعتباری مشتری‌اند. آیه‌ی شریفه از این حیث که یهود نفس یکدیگر را در مقابل کفر بما انزل الله خریدند توبیخ و مذمت می‌کند؛ یعنی علما که نفس عوام را با کفر خریدند بد کردند و عوام هم که نفس علما را با چیزهای باطل خریدند بد کردند و این نظیر آیه‌ی شریفه ﴿فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾^۲ است که مقصود این است یکدیگر را بکشند؛ نه این که هر کدام خودش را بکشد.

بنابراین آیه‌ی شریفه با معنای خرید سازگار است و از ظهور انصرافی در خرید خارج نشده است.

۱. مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج ۳، ص ۲۵:

و تندف هذه المناقشة: بأن الإزراء والتوبيخ - في الآية الكريمة - ليس على كل واحد من اليهود، مع قطع النظر عن غيره، لكي يتوهم: أنه لا معنى لنسبة الاشتراء إليهم إلا بإرادة البيع، وأن كل فرد منهم قد باع نفسه بالكفر والزندقة والإلحاد. بل الإزراء والتوبيخ راجع إلى جميعهم بلحاظ معاملتهم مع بعض حيث اشترى جمع منهم دين جمع آخر منهم بثمان بخش، فصار كل واحد منهم بائعاً من جهة، و مشترياً من جهة أخرى. و حين ذاك فلا دلالة في الآية الكريمة على إرادة البيع من الاشتراء بل يمكن أن يراد من لفظ الاشتراء فيها معناه المتعارف.

و توضیح ذلك إجمالاً: أن عوام اليهود قد عرفوا علماءهم بالكذب الصريح، و أكل الحرام، و تغيير الأحكام و تحريفها عن وجهها بآرائهم المرجفة، و أهوائهم الفاسدة، و أفكارهم المضلّة. و عرفوهم بالأقوال الكاذبة، و الأعمال الخبيثة، و البضاعة الزهيدة و عرفوهم بالتعصب الشديد، و التغالب و التكالب على حطام الدنيا و زخرفها، و بالجرأة على هتك حرمان الله و عرفوهم بغير ذلك من الصفات الخبيثة، و الأخلاق الرذيلة. و مع ذلك فوضوا إليهم دينهم، و أخذوا منهم أحكامهم و نبذوا الحق وراء ظهورهم. و ليس عملهم هذا إلا أن هؤلاء العوام من اليهود قد باعوا أنفسهم من علماءهم بما ينالونه منهم من التحابب و التوادد، و التمشي معهم حسب ميولهم و أهوائهم، و الزلفة إليهم و إلى شياطينهم. أما علماءهم فقد تجلّى لهم الحق، و اتضحت لهم نبوة محمد ﷺ، و مع ذلك باعوا أنفسهم من عوامهم بما ينالونه منهم من التعظيم و الإكرام، و حفظ كيانهم و زعامتهم، و رئاستهم، فعاندوا الحق، و جحدوه.

و إذن فأصبح اليهود قد أقاموا السوق السوداء، و أنفقوا عليها من دينهم و أنفسهم و أموالهم، حتى احتشدت فيها البضائع الزائفة، و وضعت فيها الأراجيف التي شوّهت وجه التاريخ، ففي هذه السوق السوداء قد اشترى عوامهم أنفسهم علماءهم بثمان بخش. و اشترى علماءهم أنفسهم عوامهم بعوض زهيد. و إذن فلفظ (اشترى) لم يستعمل - في الآية الكريمة - إلا في معنى الابتياح فقط.

۲. سوره مبارکه بقره، آیه ۵۴: ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ بِأَنْفُسِكُمْ بِالْعِجْلِ فَأْتُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾.

نقد کلام سید خوی رحمته الله علیه

این توجیه هم درست نیست؛ زیرا:

اولاً: اشتراء نفس اگر به معنای خرید نفس باشد ظهور در این دارد که هر کسی جان خود را از آتش الهی بخرد و آزاد کند، کما این که وقتی آیهی شریفه‌ی «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۱ نازل شد رسول الله صلی الله علیه و آله خطاب به بنی هاشم، بنی عبد المطلب، بنی عبد مناف و بنی قصی فرمودند: «اشْتَرُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ اللَّهِ فَإِنِّي لَأُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا»؛ یعنی نفستان را [از خداوند خریده و] از عذاب الهی آزاد کنید. پس اشتراء نفس ظهور در این دارد که هر کسی جان خود را از آتش الهی بخرد و آزاد کند؛ نه این که هر کسی جان دیگری را بخرد.

ثانیاً: همان اشکالی که به توجیه فخر رازی وارد شد به نحو ضعیف‌تر به این توجیه نیز وارد است؛ زیرا حتی اگر یهود هر کدام نفس دیگری را خریده باشند نتیجه‌ی نهایی این می‌شود که هر کدام با چیز بدی شیء نفیسی را خریداری کرده‌اند که در این صورت چندان مناسب برای تقبیح شدید نمی‌باشد که آیه‌ی مبارکه در صدد آن است.

نظر مختار در معنای اشتراء در کریمه

بنابراین نظر درست همان است که جمهور مفسرین گفته‌اند که اشتراء در این کریمه به معنای فروش است و اصرار این که به معنای خرید باشد بی مورد است؛ زیرا همان‌طور که بعضی لغویین گفته‌اند اشتراء به معنای فروش نیز آمده است. و فرضاً اگر استعمال اشتراء در فروش به نحو حقیقت نباشد می‌تواند در این جا به نحو مجاز باشد؛ یعنی یهود جان خودشان را با کفر بما انزل الله معاوضه کردند؛ جان خودشان را دادند و

۱. سوره مبارکه شعراء، آیه ۲۱۴.

۲. إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۳۲.

وَقَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بَنِي هَاشِمٍ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَيَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ وَيَا بَنِي قُصَيٍّ اشْتَرُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنِّي أَنَا النَّذِيرُ وَالْمَوْتُ الْمَغِيرُ وَالسَّاعَةُ الْمَوْعِدُ وَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» صَعِدَ عَلَى الصَّفَا وَجَمَعَ عَشِيرَتَهُ وَقَالَ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ يَا بَنِي هَاشِمٍ يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ يَا بَنِي قُصَيٍّ اشْتَرُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ اللَّهِ فَإِنِّي لَأُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا يَا عَبَّاسُ عَمَّ مُحَمَّدٍ يَا صَفِيَّةُ عَمَّتُهُ يَا فَاطِمَةُ ابْنَتُهُ ثُمَّ نَادَى كُلُّ رَجُلٍ بِاسْمِهِ وَكُلُّ امْرَأَةٍ بِاسْمِهَا أَلَّا يَجِيءَ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَ الْآخِرَةَ وَيَأْتُونَ وَيَقُولُونَ بَانَ مُحَمَّدًا مِنَّا وَيُنَادُونَ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ فَأَعْرَضَ بِهَذَا وَهَكَذَا وَأَعْرَضَ عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ فَوَلَّى اللَّهُ مَا أَوْلِيَايَ مِنْكُمْ إِلَّا الْمُتَّقُونَ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُمْ.

در عوض کفر بما انزل الله را گرفتند؛ زیرا «کلّ من ترک شیئاً و اخذ بغيره فهو المشتري و عمله الاثراء»^۱.

[بنابراین با لفظ «اشتریت» نیز می‌توان ایجاب بیع را محقق کرد، البته در صورتی که قرینه‌ی حالیه یا

مقالیه بر آن وجود داشته باشد.]

و الحمد لله رب العالمین

مقرّر: عبدالله امیرخانی

۱. القاموس المحيط، ص ۱۱۹۴:

... کلّ من ترک شیئاً و تمسک بغيره فقد اشتراه و منه «اشترُوا الضَّالَّةَ بِالْهُدَى».